

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده اقتصاد و حسابداری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش :

توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

عنوان :

نگرشی بر الگوهای توسعه اسلامی و مقایسه آن با الگوهای توسعه سایر مکاتب اقتصاد متعارف

استاد راهنما :

دکتر خشایار سید شکری

استاد مشاور :

دکتر رضا رحیمی

پژوهشگر :

آسیه قمری

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم به:

روان پاک سلطان المؤلفین، نویسنده بزرگ قرن،

حضرت آیت الله العظمی سید محمد حسینی

شیرازی (ره)

تشکر و قدر دانی:

از پدر و مادر مهربانم که همواره تکیه گاهم بوده اند

از همسرم که همواره مشوق و راهنمای من بوده

از بیت معظم آیت الله سید محمد شیرازی

از برادر عزیز و خواهر مهربانم

جناب آقای دکتر کیقبادی و همه عزیزانی که مرا در این راه یاری

نمودند.

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب آسیه قمری دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۶۰۸۰۹۶۹۹۰۰

در رشته: توسعه اقتصادی و برنامه ریزی که در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۳

از پایان نامه خود تحت عنوان: نگرشی بر الگوهای توسعه اسلامی و مقایسه آن با الگوهای توسعه سایر مکاتب

اقتصاد متعارف

با کسب نمره ۱۸.۵۰ و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای

علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های

موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و

موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب،

ثبت اختراع و از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی

مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه

ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: آسیه قمری

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ :

پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای/خانم

و با درجه

بحروف

مورد تصویب قرار گرفت .

امضاء استاد راهنما :

فهرست مطالب

۱	چکیده.....
۲	فصل اول کلیات.....
۳	۱-۱ مقدمه.....
۵	۲-۱ بیان مسأله.....
۶	۳-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۶	۴-۱ اهداف تحقیق.....
۶	۵-۱ سوالات پژوهش.....
۷	۶-۱ متغیرهای پژوهش.....
۷	۷-۱ پیشینه تحقیق.....
۱۰	۸-۱ روش تحقیق.....
۱۱	۹-۱ ابزار گردآوری اطلاعات.....
۱۱	۱۰-۱ تعریف مفهومی واژه های کلیدی و اصطلاحات.....
۱۱	۱۱-۱ محدودیت های تحقیق.....
۱۲	۱۲-۱ ساختار تحقیق.....
۱۳	فصل دوم توسعه اقتصادی از دیدگاه مکاتب اقتصاد متعارف.....
۱۴	۱-۲ مقدمه.....
۱۴	۲-۲ مفهوم توسعه.....
۱۸	۳-۲ توسعه اقتصادی یعنی چه؟.....
۱۹	۳-۲-۱ شاخص های توسعه اقتصادی.....
۲۰	۳-۲-۲ تاریخچه مبحث توسعه اقتصادی.....
۲۱	۴-۲ رویکردها به علل اصلی فرایند توسعه.....
۲۱	۲-۴-۱ رویکرد تفاوت در منابع خدادادی (داده ها) و مواهب طبیعی.....
۲۱	۲-۴-۲ رویکرد تفاوت های نژادی:.....
۲۱	۳-۴-۲ رویکرد تفاوت های ارزشی و فرهنگی:.....
۲۲	۴-۴-۲ رویکرد سیاسی و حاکمیت قدرت ها:.....

- ۲-۴-۵. رویکرد تاریخی: ۲۲
- ۲-۴-۶. رویکرد دور باطل ۲۲
- ۲-۵. مکاتب مختلف توسعه اقتصاد متعارف ۲۳
- ۲-۵-۱. مدل رشد کلاسیک ۲۳
- ۲-۵-۱-۱. آدم اسمیت، بنیان گذار علم اقتصاد و مکتب اقتصادی کلاسیک ۲۳
- ۲-۵-۱-۲. نظریه آدم اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳) ۲۴
- ۲-۵-۱-۳. ماهیت ثروت در نظر گاه آدم اسمیت ۲۵
- ۲-۵-۱-۴. جایگاه و نقش دولت در نظریه اسمیت: ۳۰
- ۲-۵-۲. مکتب مارکسیسم (۱۸۱۸-۱۸۸۳) ۳۰
- ۲-۵-۲-۱. اندیشه های مارکس: ۳۱
- ۲-۵-۲-۲. جمع بندی نظرات مارکس ۳۶
- ۲-۵-۳. نظریات نئوکلاسیکها ۳۸
- ۲-۵-۴. الگوی توسعه اقتصادی مائو ۴۱
- ۲-۵-۴-۱. نظریه مائوئیست: ۴۲
- ۲-۵-۵. مکتب ساختارگرایی: توسعه به رهبری دولت ۴۳
- ۲-۵-۶. نئومارکسیستها ۴۷
- ۲-۵-۷. مکتب نهادگرایی ۴۹
- ۲-۵-۷-۱. نهاد چیست؟ ۴۹
- ۲-۵-۷-۲. نقش نهادها در توسعه اقتصادی ۴۹
- ۲-۵-۷-۳. چه کسی نهادها را ایجاد می کند؟ ۵۱
- ۲-۵-۷-۴. ریشه های اندیشه نهادگرایی ۵۲
- ۲-۵-۷-۵. رویکرد دوباره به نهادگرایی ۵۳
- ۲-۵-۷-۶. مبانی فکری مکتب نهادی ۵۳
- ۲-۵-۷-۷. جایگاه دولت در نظریه نهادگرایی ۵۶
- فصل سوم توسعه اقتصادی در مکتب اسلام ۵۸
- ۳-۱. مقدمه ۵۹

۵۹	۲-۳. سوابق و زمینه های ارتباط میان دین و اقتصاد
۶۱	۳-۳. اقتصاد اسلامی
۶۱	۱-۳-۳. تعریف اقتصاد اسلامی
۶۲	۲-۳-۳. انتظار از اقتصاد اسلامی
۶۳	۳-۳-۳. ضرورت وجودی اقتصاد اسلامی
۶۵	۴-۳-۳. فلسفه ی اقتصادی اسلام:
۶۷	۵-۳-۳. نظام اقتصادی اسلام
۶۸	۶-۳-۳. اهداف نظام اقتصاد اسلامی
۶۹	۷-۳-۳. مبانی مکتبی نظام اقتصادی اسلام
۶۹	۱-۷-۳-۳. مالیت و ارزش
۷۰	۲-۷-۳-۳. مالکیت
۷۲	۸-۳-۳. ساختمان عمومی اقتصاد اسلامی
۷۲	۱- اصل مالکیت مختلط
۷۳	۲- اصل آزادی اقتصادی در کادر محدود
۷۷	۳- اصل عدالت اجتماعی
۷۹	۹-۳-۳. فقه و حقوق اقتصادی
۷۹	۱۰-۳-۳. اخلاق اقتصادی
۸۰	۴- نظریه های گستره دین اسلام در عرصه ی اقتصاد
۸۴	۵-۳. سازگاری یا ناسازگاری آموزه های اسلامی با توسعه اقتصادی
۸۴	۱-۵-۳. تقدیرگرایی
۸۵	۲-۵-۳. سرکوبی شخص اقتصادی
۸۵	۳-۵-۳. آخرت گرایی
۸۶	۴-۵-۳. مخالفت با انباشت سرمایه و سرمایه داران
۸۷	۵-۵-۳. سفارش به انفاق
۸۷	۶-۵-۳. فقدان عقلانیت
۸۷	۶-۳. نقد و بررسی ایرادات و شبهات

۸۷	۳-۶-۱. نقد ایراد تقدیرگرایی.....
۹۲	۳-۶-۲. نقد ایراد سرکوبی شخص اقتصادی.....
۹۳	۳-۶-۳. نقد ایراد آخرت گرایی.....
۹۵	۳-۶-۴. نقد ایراد مخالفت با انباشت سرمایه و سرمایه داران.....
۹۷	۳-۶-۵. نقد ایراد سفارش به انفاق.....
۹۸	۳-۶-۶. نقد ایراد فقدان عقلانیت.....
۱۰۰	۳-۷. اهداف توسعه اقتصاد اسلامی:.....
۱۰۰	۱) فزونی ایمان و تقوا:.....
۱۰۱	۲) برقراری امنیت و سلامت:.....
۱۰۲	۳) گسترش علم و عقل:.....
۱۰۳	۴) رفاه عمومی:.....
۱۰۴	۳-۸. مبانی توسعه اقتصاد اسلامی:.....
۱۰۴	۱) آخرت گرایی:.....
۱۰۵	۲) حاکمیت دینی:.....
۱۰۵	۳) عدالت اجتماعی:.....
۱۰۶	۴) اخوت و برادری:.....
۱۰۷	۳-۹. نگرشی بر حکومت و دولت اسلامی.....
۱۰۸	۳-۹-۱. مبانی حکومت اسلامی.....
۱۱۱	۳-۹-۲. ویژگی های حکومت اسلامی.....
۱۱۱	۳-۹-۲-۱. مساوات در برابر قانون:.....
۱۱۲	۳-۹-۲-۲. عدالت در حکومت اسلامی:.....
۱۱۲	۳-۹-۲-۳. موازنه میان مادیات و معنویات:.....
۱۱۲	۳-۹-۲-۴. تضمین آزادی های معقول:.....
۱۱۳	۳-۹-۲-۵. حل مشکلات از طریق مشاوره:.....
۱۱۳	۳-۱۰. رویکرد اقتصاد اسلامی به توسعه پایدار.....
۱۱۸	۳-۱۱. بسترهای اخلاقی برای الگوهای توسعه اسلامی.....

- ۱۲۳-۳. روش شناسی طراحی تئوریهای توسعه اسلامی ۱۲۳
- ۱۲۷-۳-۱۲-۱. مروری بر یک مدل اسلامی برای توسعه اقتصادی ۱۲۷
۱۳۰. فصل چهارم مقایسه الگوهای توسعه اسلامی با سایر الگوهای توسعه اقتصاد متعارف ۱۳۰
- ۱۳۱-۴-۱. مقدمه ۱۳۱
- ۱۳۳-۴-۲. مقایسه نظام اقتصادی در اسلام، سرمایه داری و مارکسیسم ۱۳۳
- ۱۳۳-۴-۲-۱، نظام اقتصادی چیست؟ ۱۳۳
- ۱۳۴-۴-۲-۲، ویژگی های عمومی نظام اقتصادی اسلام ۱۳۴
- ۱۳۶-۴-۲-۳. مقایسه نظام اقتصادی اسلام و سرمایه داری (کلاسیک) و مارکسیسم: ۱۳۶
- ۱۳۶-الف - ۱) فلسفه اقتصادی اسلام: ۱۳۶
- ۱۳۷-الف - ۲) فلسفه اقتصادی در مارکسیسم: ۱۳۷
- ۱۳۸-الف - ۳) فلسفه اقتصادی در سرمایه داری: ۱۳۸
- ۱۳۸-ب-۱) مجموعه اصول نظام اقتصاد اسلامی: ۱۳۸
- ۱۴۱-ب - ۲) مجموعه اصول نظام اقتصادی در مارکسیسم: ۱۴۱
- ۱۴۱-ب - ۳) مجموعه اصول نظام اقتصادی در سرمایه داری: ۱۴۱
- ۱۴۱-ج - ۱) جزء سوم نظام اقتصادی، روش عمل، در اسلام: ۱۴۱
- ۱۴۵-ج - ۲) روش عمل در مارکسیسم: ۱۴۵
- ۱۴۵-ج - ۳) روش عمل در سرمایه داری: ۱۴۵
- ۱۴۵-۴-۳. مقایسه برخی مقیاس های توسعه اقتصادی در مکاتب کلاسیک و مارکسیسم و اسلام ۱۴۵
- ۱۴۵-۴-۳-۱. سودجویی و تعقیب منافع شخصی ۱۴۵
- ۱۴۵-۴-۳-۱-۱. کلاسیک ها ۱۴۵
- ۱۴۶-۴-۳-۱-۲. مارکسیسم ها ۱۴۶
- ۱۴۷-۴-۳-۱-۳. اسلام ۱۴۷
- ۱۴۷-۴-۳-۲. انسان اقتصادی ۱۴۷
- ۱۴۷-۴-۳-۱. ویژگی های انسان اقتصادی از نظر کلاسیک ها ۱۴۷
- ۱۴۹-۴-۳-۲-۲. ویژگی های انسان اقتصادی از نظر مارکسیسم ۱۴۹
- ۱۵۰-۴-۳-۲-۳. انسان اقتصادی مورد قبول در اسلام ۱۵۰

- ۱۵۱ ۴-۳-۳. آزادی اقتصادی.....
- ۱۵۱ ۴-۳-۱. کلاسیک ها.....
- ۱۵۱ ۴-۳-۲. مارکسیسم ها.....
- ۱۵۲ ۴-۳-۳. اسلام.....
- ۱۵۵ ۴-۳-۴. کار.....
- ۱۵۵ ۴-۳-۱. کلاسیک ها.....
- ۱۵۵ ۴-۳-۲. مارکسیسم ها.....
- ۱۵۶ ۴-۳-۳. اسلام.....
- ۱۵۷ ۴-۳-۵. اصالت فرد و جمع:.....
- ۱۵۷ ۴-۳-۱. کلاسیک ها.....
- ۱۵۸ ۴-۳-۲. مارکسیسم ها.....
- ۱۵۸ ۴-۳-۳. اسلام.....
- ۱۵۹ ۴-۳-۶. مصرف.....
- ۱۵۹ ۴-۳-۱. کلاسیک ها.....
- ۱۵۹ ۴-۳-۲. مارکسیسم ها.....
- ۱۵۹ ۴-۳-۳. اسلام.....
- ۱۶۰ ۴-۴. مقایسه الگوی توسعه مکاتب اقتصاد متعارف با الگوی توسعه اسلامی:.....
- ۱۶۰ ۱-۱) الگوی توسعه نئومارکسیست ها:.....
- ۱۶۰ ۱-۲) الگوی توسعه اسلامی در مقایسه با الگوی نئومارکسیست ها:.....
- ۱۶۲ ۲-۱) الگوی توسعه ساختار گرایی:.....
- ۱۶۳ ۲-۲) الگوی توسعه اسلامی در مقایسه با ساختارگرایی:.....
- ۱۶۵ ۳-۱) الگوی توسعه مائوئیسم:.....
- ۱۶۵ ۳-۲) الگوی توسعه اسلامی در مقایسه با مائوئیسم:.....
- ۱۷۳ ۴-۱) الگوی توسعه در نئوکلاسیکها:.....
- ۱۷۴ ۴-۲) الگوی توسعه اسلامی در مقایسه با نئوکلاسیک ها:.....
- ۱۷۸ ۵-۱) الگوی توسعه نهادگرایی:.....

۱۷۸	۵-۲) الگوی توسعه اسلامی در مقایسه با نهادگرایی:
۱۸۱	فصل پنجم استنتاج و نتیجه گیری
۱۸۲	۵-۱. مقدمه
۱۸۲	۵-۲) جدول مقایسه الگوی توسعه اسلامی با الگوی مکاتب نئومارکسیست، نئوکلاسیک، مائوئیست، نهاد گرا، ساختار گرا
۱۸۴	۵-۳: پاسخ به سوال تحقیق:
۱۸۶	۵-۴. نتیجه گیری نهایی
۱۸۷	۵-۵. پیشنهادات
۱۸۸	۵-۶. پیشنهاد برای مطالعات آتی
۱۹۰	منابع و مأخذ فارسی:
۱۹۵	منابع انگلیسی

چکیده

وظیفه اساسی توسعه عبارتست از بررسی امکان رهایی اقتصادهای رو به توسعه از فقر و به منظور دستیابی به این هدف، در ک ساختار و سازوکار اقتصادهای کم درآمد ضرورت دارد. اسلام به عنوان دین کامل به مقوله توسعه و بهبود زندگی مردم توجه ویژه ای نشان داده که دستورات اقتصادی اسلام را با توجه به آیات و روایات می توان استخراج کرد. در این تحقیق سعی شده است ضمن بررسی الگوهای اقتصاد متعارف- کلاسیکها، نئوکلاسیکها، مارکسیسم، نئومارکسیسم، مائوئیسم، نهادگرا و ساختارگرا- الگوی توسعه اقتصاد اسلامی اقتباس شود. الگوی اقتصاد اسلامی با الگوهای توسعه مکاتب اقتصاد متعارف مقایسه می گردد و شباهتها و تفاوتهای آنها بررسی شده و در نهایت از این مجموعه به این نتیجه می رسیم که الگوهای توسعه اسلامی با الگوهای نئوکلاسیکها شباهت بیشتری دارد و حتی الگوی اسلامی قادر به رفع کمبودها و نواقص الگوی نئوکلاسیکها نیز می باشد.

فصل اول

کلیات

۱-۱ مقدمه

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش بشر، کیفیت و وضعیت زندگی او همواره در حال بهبود بوده است. بعد از انقلاب فرهنگی - اجتماعی اروپا (رنسانس) و متعاقب آن انقلاب صنعتی، موج پیشرفت‌های شتابان کشورهای غربی آغاز گردید. تنها کشور آسیایی که تا حدی با جریان رشد قرنهای نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی غرب همراه گردید، کشور ژاپن بود. متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی روند روبه رشدی را تجربه نکردند. البته بعضاً حرکت‌های مقطعی و موردی در این کشورها صورت گرفت اما از آنجا بیکه مورد حمایت واقع نگردد، به سرعت مضمحل گردید. محمد تقی خان امیر کبیر در ایران، نمونه‌ای از این دست است.

مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح گردید. فشار صنعتی شدن و رشد فناوری در این کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب مانده عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد. کشورهای پیشرفته (یا توسعه یافته) و کشورهای عقب مانده (یا توسعه نیافته). با خاموش شدن آتش جنگ جهانی دوم این شکاف به خوبی نمایان شد و ملل مختلف جهان را با این سوال اساسی مواجه ساخت که «چرا بعضی از مردم جهان در فقر و گرسنگی مطلق به سر می‌برند و بعضی در رفاه کامل؟» از همین دوران اندیشه‌ها و نظریه‌های توسعه در جهان شکل گرفت. پس در واقع نظریات «توسعه» بعد از نظریات «توسعه اقتصادی» متولد گردید. در این دوران بسیاری از مردم و اندیشمندان، چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای جهان سوم، تقصیر را به گردن کشورهای قدرتمند و استعمارگر انداختند. بعضی نیز مدرن نشدن (حاکم نشدن تفکر مدرنیته بر تمامی ارکان

زندگی جوامع سنتی) را علت اصلی می دانستند و «مدرن شدن به سبک غرب» را تنها راهکار می دانستند. بعضی دیگر نیز وجود حکومت های فاسد و دیکتاتوری در کشورهای توسعه نیافته و ضعف های فرهنگی و اجتماعی این ملل را مسبب اصلی معرفی می نمودند. عده ای هم «دین» یا حتی «ثروت های ملی» را علت رخوت و عدم حرکت مثبت این ملل تلقی می نمودند. اما به راستی توسعه اقتصادی چیست؟ باید بین دو مفهوم «رشد اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است در حالیکه توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. «رشد اقتصادی» به تعبیر ساده عبارتست از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی GNP یا تولید ناخالص داخلی GDP در سال مورد نیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر (بخاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه ای را نیز از آن کسر نمود. منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از افزایش بکارگیری نهادها (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارایی اقتصاد (افزایش بهره وری عوامل تولید)، و بکارگیری ظرفیتهای احتمالی خالی در اقتصاد.

اما «توسعه اقتصادی» عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت های تولیدی اعم از ظرفیت های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد، اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش ها تغییر خواهد کرد و توان بهره برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش خواهد یافت. بعلاوه می توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده ها نیز در فرآیند تولید تغییر می کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد، بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد.

توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه کنی فقر) و دوم، ایجاد اشتغال. که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. در کشورهای توسعه یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای عقب مانده، بیشتر ریشه کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است. همین تفاوت را می توان در مکاتب فکری نیز جستجو نمود. هر مکتب فکری بر اساس بافته های عقلی و فلسفی به توسعه اقتصادی با دیدگاه های متفاوتی نگاه می کند که بخش اعظمی از ایدئولوژی آن مکتب را نیز می سازد. در این پژوهش محقق قصد آن دارد تا دیدگاه های مختلف اسلامی و مکاتب اقتصاد متعارف در خصوص توسعه اقتصادی را با یکدیگر مقایسه نموده و در پایان بدین نتیجه برسد که کدامیک از الگوهای توسعه اقتصاد متعارف با الگوی توسعه اسلامی شباهت بیشتری دارد.

۲-۱. بیان مسأله

اقتصاد اسلامی و حوزه های مرتبط با آن در گذشته ای نه چندان دور، برای اقتصاددانان ناآشنا و غریب می نمود و یا دست کم مورد توجه آنان قرار نداشت. در آستانه قرن بیست و یکم این قلمرو چنان مورد اهتمام عالمان اقتصاد قرار گرفت که بی تردید می توان گفت به یکی از دغدغه های جدی آنان تبدیل شده است. مطالعات و پژوهش های صورت گرفته درباره نظریه پردازی و ارائه نقد و بررسی دیدگاه های مطرح شده در این زمینه و نیز کتب و مقالات منتشر شده از این دغدغه حکایت دارد.

از سوی دیگر ناکامی بسیاری از کشورهای عقب مانده در دستیابی به توسعه، این تردید جدی را در بسیاری از کارشناسان بوجود آورد که تئوری های سنتی علم اقتصاد قادر به حل مشکلات ساختاری این کشورها نیستند و باید الگوهای دقیق تری برای پیشرفت سریع فراهم آورد. این تفکرات باعث تقویت و تمرکز بیشتر اقتصاد توسعه به عنوان علم اقتصاد مخصوص کشورهای عقب مانده گردید.

بایستی توجه داشت که اسلام به عنوان قوی ترین نیروی ایدئولوژیکی در ایران و سایر کشورهای مسلمان ارتباط انکار ناپذیری با رشد و توسعه اقتصادی دارد. به نحوی که هر الگوی توسعه برای موفقیت بایستی قادر به تطبیق خود با اسلام و اعتقادات قلبی مسلمانان باشد.

۱-۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

آرزوی انسان برای رسیدن به توسعه به معنای ارتقاء مستمر جامعه به سوی زندگی بهتر و انسانی تر از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته است و اکنون نیز مورد توجه کلیه کشورها اعم از پیشرفته و عقب مانده می باشد. از آنجا که پیش شرط موفقیت هر الگوی توسعه بستگی به سازگاری آن با معتقدات قلبی جامعه هدف دارد، مقایسه تطبیقی الگوهای توسعه ای مرسوم با اقتصاد اسلامی یک ضرورت بسیار مهم می باشد.

دیدگاه های اقتصاد اسلامی اگرچه بسیار غنی و مملو از راهکارهای اجرایی و قابل دسترس بوده و از نظر تکامل و پیش بینی بسیار دقیق تر از سایر مکاتب غربی می باشد، اما به دلیل عدم پرداختن به آن و عدم معرفی در انزوا مانده و حتی در کشورهای اسلامی نیز به گونه ای مظلوم واقع شده اند که اکثریت آنها یا به دنبال مدل های توسعه اقتصادی سرمایه داری بوده اند و یا به دنبال مدل های اقتصادی کمونیستی و . . . که همگی نشأت گرفته از دیدگاه های اندیشمندان غربی و شرقی است. در حالیکه نیاز واقعی هر کشور کمتر توسعه یافته ای بایستی این باشد تا به مقایسه الگوهای توسعه - که قابلیت اجرای بالاتری را دارا می باشند- با اصول و معتقدات قلبی مردمش پردازد.

۱-۴. اهداف تحقیق

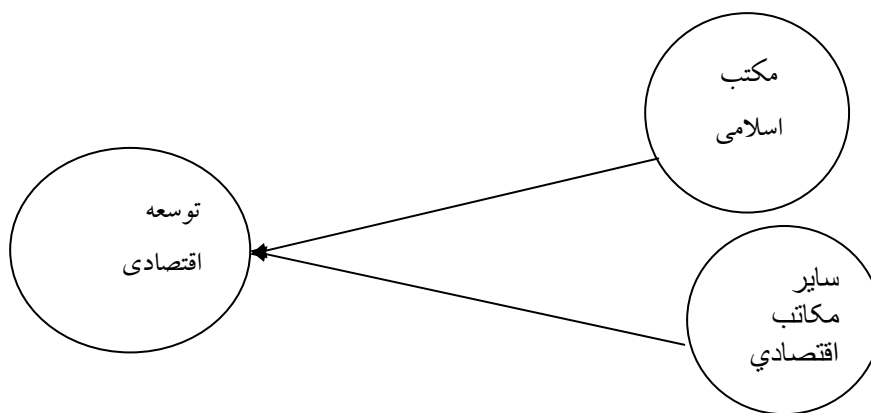
- ۱) نگرشی بر الگوی توسعه اقتصاد اسلامی و مقایسه آن با الگوهای توسعه مکاتب اقتصاد متعارف
- ۲) بررسی نقاط ضعف و قوت این الگوها

۱-۵. سوالات پژوهش

۱. کدامیک از الگوهای رایج توسعه در مقایسه با سایر الگوهای رقیب شباهت بیشتری با اصول اقتصاد اسلامی دارد؟

۱-۶. متغیرهای پژوهش

در این پژوهش به بررسی متغیری به نام توسعه اقتصادی در دو مکتب اقتصاد اسلامی و سایر مکاتب اقتصادی پرداخته می شود. پس در این تحقیق متغیرهای مستقل پژوهش، دو مکتب اسلامی و سایر مکاتب اقتصادی بوده و متغیر وابسته، توسعه اقتصادی می باشد. بنابراین مدل عملیاتی این تحقیق به صورت زیر ارائه می گردد:



۱-۷. پیشینه تحقیق

در حوزه توسعه اقتصادی در سایر مکاتب، تحقیقات و نوشتار زیادی وجود دارد اما در حوزه توسعه اقتصادی در مکتب اسلام کار چندانی صورت نگرفته است، اما در زیر به برخی از مهمترین تحقیقات نزدیک به موضوع حاضر که بیشتر در حوزه مکتب اسلام انجام شده اند اشاره شده است:

یان استورات (۱۳۸۶) در مقاله خود تحت عنوان بررسی رابطه میان مذهب و توسعه اقتصادی چنین نتیجه گیری نموده است که بررسی تطبیقی آئین هندو و اسلام در قالب یک چارچوب نظری کلی به روشنی حکایت از آن دارد که بی تردید مذهب بر رشد اقتصادی موثر است.

بیشترین چیزی که در این خصوص می توان در مورد آئین هندو گفت این است که رابطه قوی بین تفکر و ارزش هندو در یکسو و اوضاع مادی و اقتصادی در سوی دیگر وجود دارد. سرانجام کندوکاو در درون اسلام هم نشان می دهد که علت فاصله گرفتن جهان اسلام از آن نقطه اوجی که در هزاره